

بررسی طرحواره‌های تصویری «رحمة» در قرآن بر مبنای رویکرد زبان‌شناختی جانسون

زهره بهروزی^۱

سید حیدر فرع شیرازی^۲

چکیده

طرحواره‌های تصویری از مهم‌ترین زیرساخت‌های معناشناسی شناختی است که اولین بار توسط مارک جانسون مطرح شد. موضوع طرحواره‌ها حول محور جسمانیت مفاهیم انتزاعی می‌چرخد و این فرآیند جسمی‌شدگی منجر به پیچیدگی مفهومی نظام ذهن می‌شود. طرحواره‌های متنوع تصویری یکی از مهم‌ترین ابزارهای زبان‌شناختی در راستای ترسیم، عینیت‌سازی، و برجسته‌نمایی مفهوم ذهنی «رحمة» به عنوان یکی از پرتکرارترین مفاهیم ذهنی در قرآن است که طی جسمی‌شدگی قابلیت‌های ملموسی یافته است. در این پژوهش تلاش بر این است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس دیدگاه مارک جانسون، مفهوم «رحمة» را در این نظام تصویری بررسی نماییم. نتایج نشان می‌دهد که مفهوم انتزاعی «رحمة» از گستره وسیع معنایی برخوردار است و بر باران، بخشش، بهشت، رسالت نبوت، دین اسلام، ثواب و پاداش، قرآن، و نعمت‌های مادی و معنوی دلالت می‌کند. رحمت خداوند به مثابه منظروفی است که گاه خداوند متعال از ظرف نامحدود رحمت خویش، نعمت‌های خاص را به بندگان مخلص می‌بخشد؛ از سوی دیگر «رحمة» هم‌چون منظروفی مسیر نزولی را از سوی آسمان و علو درجات به سوی زمین می‌پیماید. رحمت ویژه خداوند توانایی بالقوه خداوند است و همانند جسمی فیزیکی توانایی اعمال قدرت دارد؛ بدین‌گونه که منجر به هدایت مومنان و یا مانع از رسیدن عذاب جهنم به آن‌ها می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زبان‌شناسی شناختی، طرحواره‌های تصویری، مارک جانسون، رحمة.

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹ | DOI: 10.29252/PAQ.8.3.27

zohreh.behroozi@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس بوشهر.

shiraz.he@yahoo.com

۲- نویسنده مسئول: دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس بوشهر.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی شناختی^۱ یکی از مهم‌ترین مکتب‌های زبان‌شناسی قلمداد می‌شود که ریشه در علوم شناختی و حوزه مطالعات زبانی بر مبنای درک و تجربیات زیستی دارد. «طرفداران دیدگاه شناختی زبان را نیز هم‌چون فکر و اندیشه‌دارای نظام و ساختار می‌دانند. از نظر آنان، ساختار نظام‌مندی که در زبان وجود دارد ساختار فکر ما را هم منعکس می‌کند. لیکاف و جانسون به این نتیجه رسیده‌اند که مفاهیم انتزاعی در ذهن انسان با بهره‌گیری از مفاهیم عینی سازمان‌بندی می‌شوند» (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۳). جسمی‌شدگی و درک عینی از مفاهیم انتزاعی، وابسته به تخیل و صورت‌های خلاق است که ریشه در تجربه‌های بدنی انسان دارد؛ تحت تأثیر این شرایط است که این بعد جسمانی و رویکرد عین‌گرایی موجب خلق طرحواره‌های تصویری^۲ در سیستم مفهومی می‌شود.

طرحواره‌های تصویری از مهم‌ترین شاخه‌های معناشناسی شناختی^۳ است که توسط مارک جانسون^۴ (۱۹۸۷) مطرح شد و مهم‌ترین آن‌ها، طرحواره‌های حجمی^۵، حرکتی^۶، و قدرتی^۷ است. این طرحواره‌های تصویری نوعی تجربه حسی است، زیرا ناشی از مکانیسم‌های ادراکی حسی است و جهان ذهنی را به جهان خارجی متصل می‌کند و در متون مذهبی به سبب عینیت‌سازی مفاهیم انتزاعی کارکرد بالایی دارد. قرآن مهم‌ترین کتاب دینی محسوب می‌شود که سرشار از مفاهیم ذهنی مانند پاداش‌های دنیوی و اخروی، جهنم، عذاب، نعمت‌ها و الطاف الهی است که بر مبنای جسمی‌شدگی و طرحواره‌های تصویری مطرح شده است؛ از جمله این موارد واژه «رحمه»، یکی از مفاهیم ذهنی در قرآن است که ۱۱۵ مرتبه در قالب مفاهیم مادی و انتزاعی متفاوتی تکرار شده است.

واژه «رحمه» از ریشه سه حرفی «رحم» است که در تعریف لغوی ابن منظور «رحمه» به معنای لطافت و مهربانی است» (ابن منظور، بی‌تا، ۱۲: ۲۳۰)؛ اما علاوه بر این معنای لغوی «رحمت الهی

1. Cognitive linguistics
2. imaginary schemas
3. Cognitive linguistics
4. Mark Johnson
5. Container schema
6. Path schema
7. Force schema

مفهوم وسیعی دارد که دنیا و آخرت را در برمی‌گیرد و در آیات قرآن بر معانی زیادی اطلاق شده است، گاه بر مساله هدایت، گاه نجات از چنگال دشمن، گاه باران پر برکت، گاه به نعمت‌های دیگری هم چون نعمت نور و ظلمت و در موارد بسیاری نیز به بهشت و مواهب خدا در قیامت اطلاق شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۱: ۲۸۲). برجستگی کاربست دلالتی واژه «رحمه» و جسمانیت مفاهیم انتزاعی آن بر مبنای طرحواره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی بیانگر این نکته است که واژه «رحمه» از پیچیدگی و گستردگی حوزه معنایی برخوردار است؛ از این رو بر آن شدید تا زیرساخت‌ها و فرایند مفهوم‌سازی واژه «رحمه» در حوزه مفاهیم دینی و مذهبی، مورد بررسی قرار دهیم.

۲- سوالات پژوهش

این بررسی و پژوهش در صدد آن است که بر مبنای نظریه ارزشمند طرحواره‌های تصویری مارک جانسون، طرحواره‌های تصویری واژه «رحمه» را مطالعه و بررسی کند، تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- جسمانیت مفهوم «رحمه» تا چه اندازه در مفهوم‌سازی مفاهیم قرآنی تأثیر داشته است؟
- مسیر و شیوه حرکت رحمت و الطاف خداوند به سوی مخلوقات به چه شیوه‌ای است؟
- طرحواره‌های اعمال قدرت رحمت خداوند چگونه است؟

۳- پیشینه

طرحواره‌های تصویری یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین زیربناهای مفاهیم استعاری و مجازی در حوزه زبان‌شناسی شناختی است که در طول مدت کوتاه ظهور آن، از توجه فراوانی برخوردار بوده است و در این باب نظریه‌های فراوانی مطرح شده است. مارک جانسون (۱۹۸۷) یکی از اولین نظریه‌پردازان در این زمینه است که مشخصاً به این نظام مفهومی پرداخته است. مارک جانسون اولین پژوهش‌گر در زمینه شناختی است که در کتاب *بدن در ذهن* (۱۳۹۸ش)، طرحواره‌های تصویری و تبعیت مفاهیم ذهنی از تجربه‌های مادی و جسمی را بسط داده است. این کتاب بر آن است که بدن را به داخل ذهن برگرداند تا مبانی جسمانی معنی، معنای جسمانی تخیل، طرحواره‌های تصویری و بسط استعاری آن روشن‌تر شده باشد. کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (۱۳۹۳ش) اثر محمد راسخ‌مهند؛

ایشان به شکلی جامع نظریه‌ها و مفاهیم شناختی را معرفی می‌کند و با نگاهی شناختی به معنای واژگان، نظریه‌های طرحواره تصویری و مشخصات این سیستم ادراک حسی را معرفی می‌کند. در این زمینه پژوهش‌های دانشگاهی بسیاری صورت گرفته است که متون قرآنی و دینی را از منظر این انگاره شناختی مورد تحقیق و پژوهش قرار داده‌اند؛ از جمله پایان‌نامه «کارکرد حرف جر «إلی» در قرآن از لحاظ معناشناسی شناختی» (۱۳۹۷ش) به تحقیق مریم جرجندیان؛ محقق در این پژوهش تلاش کرده است تا حرف جر «إلی» در آیات قرآن که دارای دلالت‌های گوناگون است را از منظر معانی استعاری و انواع طرحواره‌های تصویری بررسی نماید. نمونه دیگر پژوهش‌ها مانند پایان‌نامه «کارکرد طرحواره‌های تصویری در گفتمان قرآنی: مطالعه موردی ردائل اخلاقی» (۱۳۹۵ش) به تحقیق زهرا علی‌نجاج منصور؛ ایشان در پرتو مطالعات زبانی از یک سو و از سویی دیگر ساختار هدفمند قرآن، به خوانش تازه‌ای از مفاهیم حوزه ردائل اخلاقی در گفتمان قرآنی پرداخته است و به نقش این سازوکار شناختی با اشکال سه‌گانه آن در تبیین و درک مفاهیم انتزاعی و غیرعینی اشاره نموده است تا هدف از چنین گزینش زبانی در گفتمان قرآنی را بیان نماید. مقاله «نقد و بررسی طرحواره‌های تصویری قرآن در نهج‌البلاغه» (۱۳۹۵ش) نوشته حسن مقیاسی؛ وی در این پژوهش آن دسته از ساختارهای استعاری نهج‌البلاغه که برگرفته از استعاره‌های مفهومی قرآن است را منطبق با الگوی مارک جانسون، در قالب سه طرحواره حرکتی، حجمی، و قدرتی ارزیابی می‌کند. مقاله «بررسی کاربست طرحواره‌های تصویری جانسون در قرآن، با تکیه بر اشاره‌های تربیتی و آموزه‌های اخلاقی در کلام وحی» (۱۳۹۷ش) با تحقیق و بررسی فاطمه دریس؛ در این مقاله پژوهش‌گر با تحلیل کلام وحی بر مبنای طرحواره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی، ۳۰ مورد از طرحواره‌های موضوعی تکرارشونده را استخراج نموده و براساس بسامد وقوع و اهمیت موضوع در سه طبقه آموزه‌های درجه یک، دو و سه دسته‌بندی کرده است.

علاوه بر پژوهش‌های ذکر شده، در باب ابعاد زبان‌شناختی مفهوم «رحمه» مطالعاتی انجام شده است؛ از جمله مقاله «معناشناسی رحمت رحیمیه در قرآن» (۱۳۸۹ش) به تحقیق اعظم پرچم و همکاران؛ در این پژوهش، مفهوم رحمت رحیمیه با رویکرد معناشناسانه بررسی می‌شود تا چگونگی مجاورت و هم‌نشینی کلمات کلیدی در سیاق آیه، معارف نهفته در باطن آیات و اندیشه نظام‌مند آن را

نشان دهد. مقاله «تبیین جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا» (۱۳۹۴ش) به تحقیق مهدی مطیع و همکاران؛ پژوهش‌گران احادیث قدسی با موضوع رحمت خداوند را مورد مطالعه قرار می‌دهد و با بررسی دیدگاه‌های اعتقادی احادیث قدسی، جایگاه رحمت خداوند در این دسته از احادیث را تبیین خواهد کرد. مقاله «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم» (۱۳۹۶ش) نوشته سیده مطهره حسینی و همکاران؛ این مقاله به بررسی استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم که ساختار پیچیده و متشکل از چندین نوع استعاره دارد و بسط معنایی حاصل از آن که مالکیت و استیلا و علم خداوند به نعمات اخروی و دنیایی را بیان می‌کند، می‌پردازد. بنابراین مطالعات زبان‌شناختی و به ویژه طرحواره‌های تصویری یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های مفهومی است که همواره در مطالعات دینی مورد اهتمام پژوهشگران بوده است. با توجه به این که رحمت صفت خاص خداوند است و از معانی، و ابعاد ذهنی و مادی متعددی در قرآن برخوردار است، لذا بر آن شدیم تا پیچیدگی‌های حجمی، حرکتی و قدرتی این مفهوم انتزاعی را متناسب با ویژگی‌هایی مادی که از آن برخوردار است بررسی نماییم.

۴- طرحواره‌های تصویری

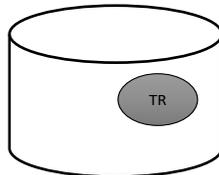
پدیده طرحواره‌های تصویری از موضوعات نو ظهور محسوب می‌شود که به جسمانیت مفاهیم ذهنی به مثابه جسمی فیزیکی می‌پردازد، با این نگاه که این تجربه تابعی از بدن و تعامل ما در جهان است. جسمانیت مفاهیم ذهنی و درک مادی و عینی ما از حجم این مفاهیم باعث می‌شود که این درک در حوزه‌های انتزاعی به شکلی کاربردی ظاهر شود. مارک جانسون یکی از اولین زبان‌شناسان حوزه زبان‌شناسی شناختی است که موضوع طرحواره‌های تصویری را مطرح کرد و با دقت نظر، در کتاب زبان و بدن آن را معرفی کرد. اگرچه اصطلاح تصویر به ادراک بصری در زبان روزمره محدود می‌شود؛ اما در زبان‌شناسی شناختی کاربرد وسیع تری دارد و جایی است که انواع تجربه‌های حسی و ادراکی را در بر می‌گیرد. به عقیده جانسون طرحواره‌های تصویری «تصویرهای عینی غنی نیستند، تصویرهای ذهنی هم نیستند، بلکه ساختارهایی هستند که بازنمایی‌های ذهنی ما را در یک سطح عام‌تر

و انتزاعی‌تر از سطحی سازمان می‌دهند که ما در آن تصویرهای خاص ذهنی تشکیل می‌دهیم» (جانسون، ۱۳۹۸: ۷۶).

طرحواره‌های تصویری پایه‌های نظام مفهومی هستند و آن‌قدر در روش تفکر ما نقش اساسی دارند که آگاهانه از آنها آگاه نیستیم؛ چرا که تجربه‌ها و الگوهای حرکت بدنی انسان مسیر خود را به ذهن پیدا می‌کنند و به درون مفاهیم انتزاعی وارد می‌شوند. بر مبنای کتاب لیکاف و جانسون فهرست اصلی طرحواره‌های تصویری عبارتند از: طرحواره‌های حجم، مبدأ، مسیر مقصد، اتصال، کل - جزء، مرکز - حاشیه، تراز، بالا - پایین، جلو - عقب و چند طرحواره مرتبط با توانمندی - یعنی قدرت، انسداد، نیروی متقابل، جذب، فشار، مانع، انتقال و تغییر مسیر (رک: صفوی، ۱۳۹۵: ۴۲۶)؛ اما از نظر لیکاف و جانسون، این فهرست را نمیتوان بسته دانست و همواره افزودن آن‌ها ممکن است.

۴-۱ - طرحواره حجمی «رحمه»

طرحواره حجمی یکی از کلیدی‌ترین طرحواره‌های تصویری است که با قدرت تخیل و تجسم به مفاهیم انتزاعی قابلیت جسمانی می‌دهد. این طرح‌ها به تجربه حسی مربوط می‌شوند و به دست می‌آیند؛ این بدان معنی است که آن‌ها در اصل از پیش مفهومی هستند، بدین صورت که مسائل مربوط به مفهوم طرحواره حجمی (ورود و خروج از ظرف و مکان) از تجربیات و اطلاعات حسی انسان، در مراحل اولیه رشد ناشی می‌شوند. این طرحواره از تجربیات مکرر و همه‌گیر ما با ظروف است که در کلام و گفتگوهای روزانه، با کاربرد بی‌شمار کلیدواژه (داخل و خارج) بازنمود دارد. «طرحواره حجمی مشتمل بر عناصر ساختاری داخلی و مرزی (TR)، و بیرونی (LM) است و این عناصر حداقل شرایط مورد نیاز برای یک طرحواره حجمی هستند» (Evans & Green, 2006: 181). ایوانز و گرین در قالب یک جمله بیشتر به معرفی طرحواره حجمی می‌پردازند:



_ جان از اتاق بیرون رفت.

در این طرحواره، جان یعنی (TR) موجودی است که تحت حرکت قرار می‌گیرد و از موقعیتی که در داخل محدوده محسوب می‌شود، حرکت می‌کند تا مکانی خارج از محدوده مرزی و مکان یعنی (LM) را اشغال کند؛ همان‌طور که خروج از محدوده مرزی، با ذکر (بیرون) برجسته‌نمایی شده است (همان، ۱۸۱).

در قرآن نیز آیاتی دیده می‌شود که به مفاهیم انتزاعی امکان ظرفیت داده شده است و در قالب ظرف یا مظروف ظاهر می‌شوند و از نمونه‌های برجسته در این زمینه می‌توان به واژه «رحمه» اشاره کرد. طی بررسی‌های انجام شده، واژه «رحمه» با یک ساختار مشخص مکرراً ظاهر شده است؛ بدین صورت که در بسیاری از آیات مفهوم «رحمه» دلالت بر ظرف و مکان می‌کند:

﴿يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (الإنسان / ۳۱)

در این آیه و تمامی آیات مشابه که ملائکه و پیامبران به موضوعات مرتبط با پذیرش و انکار دین مبین و اثرات مثبت و منفی آن می‌پردازند، کلمه «رحمه» دلالت بر صفت رحمت و بخشش الهی نمی‌کند. در اینجا مفهوم انتزاعی «رحمه» به عنوان یک ظرف ظاهر شده است و دلالت بر مکان دارد. در واقع، آنچه که مکان‌وارگی و قابلیت ظرفیت «رحمه» را تثبیت می‌کند، فعل (یدخل) و به ویژه حرف (فی) است که نشان می‌دهد انسان‌ها شایسته نعمت‌های الهی هستند و آن‌ها وارد محدوده مرزی رحمت که همانا بهشت جاویدان است، می‌شوند. در صفة التفاسیر صراحتاً به این موضوع اشاره شده است که «خداوند متعال مومنان و تقوایپیشه‌کنندگان به خدا در دنیا را به بهشت وارد می‌کند. در قرآن بهشت «رحمه» نامیده شده است، زیرا بهشت مکان نزول رحمت الهی است» (صابونی، ۱۴۲۱، ۳: ۱۷۵)، و در بهشت است که انسان‌های صالح تحت رحمت و عنایت الهی است.

در آیه دیگری واژه «رحمه» به شکل متفاوت و در جایگاه مظروف ظاهر می‌شود:

﴿قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا﴾

(الإنسان / ۱۰۰)

رحمت و نعمت الهی تمام‌نشدنی و غیر قابل شمارش است و همواره به میزان مشخصی به مخلوقات می‌رسد و در این آیه گویی ذات اقدس الهی صاحب و کلیددار خزان‌های است که این

نعمت‌های بی‌شمار را در آن حفظ می‌کند. آنچه که زمینه جسمی شدگی مفهوم «رحمه» را فراهم کرده است معنای مجازی آن است، که دلالت بر رزق می‌کند و هم‌چون سکه‌های طلا در گنجینه و ظرف خود قرار گرفته است، همان‌طور که در ترکیب (خزائن الرحمه)، خزانه‌ها و گنجینه‌های پر از ثروت را تداعی می‌کند. «رحمت در اینجا مجاز از مال و رزق است و خزانه‌ها استعاره‌ای تخیلی است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۸: ۱۷۰)، زیرا گنجینه‌های رحمت خدا هم‌چون خزانه پادشاهان فناپذیر و تمام‌شدنی نیست. خزانه رحمت همان سفره گسترده اوست که تمام موجودات از آن بهره می‌برند و تمام آن گنجینه‌ها یک‌جا در اختیار موجودات قرار نمی‌گیرد، بلکه طبق سنت و اراده خداوند فیض الهی به تدریج و به مقدار لازم و مشخص به موجودات می‌رسد.

یکی دیگر از نمونه‌ها و کارکرد حجمی «رحمه» در قرآن، کاربرد آن در آیاتی است که به موضوع ازدواج و ایجاد مودت و مهربانی بین زن و مرد پرداخته می‌شود. خداوند با ذکر «رحمه» در آیه زیر به تاثیر نفسانی ارتباط طرفین می‌پردازد و گویی به این مفهوم ذهنی ابعادی جسمانی بخشیده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ﴾ (الروم / ۲۱)

خداوند برای هر موجود زنده‌ای در این جهان جفت و قرین آفریده است و همان‌طور که در این آیه می‌فرماید: (برای شما و یا برای اینکه به شما نفع برساند از جنس خودتان زوج آفرید و بین شما مودت و رحمت قرار داد). تفسیر المیزان در تبیین رحمت و مودت، به مکان نزول رحمت اشاره می‌کند؛ «یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچکتر را رحم می‌کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶: ۲۵۰). به طوری که از سیاق برمی‌آید، مفهوم ذهنی رحمت بیانگر یکی از ابعاد مثبت و روشن الهی است که مراتبی از این رحمت الهی هم در ذات انسان نهادینه شده است. هرگاه این رحمت الهی و حتی انسانی در شرایطی که نشانگر عجز و ناتوانی باشد تجلی یابد منجر به گشایش و آرامش خاطر می‌شود. در واقع آنچه در این آیه اهمیت بسیاری دارد و بر ارزش زبانی کلام می‌افزاید، برجسته‌سازی مفهوم «رحمه» طی فرآیند حجمی شدگی است؛ بدین

صورت که مفهوم ذهنی «رحمه» قابلیت ظرفیت و حرکت دارد و می‌تواند در هر ظرف و مکانی قرار بگیرد منجر به آرامش و تجلی مهر و مودت می‌شود، همان‌طور که با تجلی یافتن در کانون خانواده و قرار گرفتن بین طرفین موجب تحکیم نظام خانواده می‌شود و به مثابه مظهر در ظرف خود، یعنی ارتباط زوجین قرار می‌گیرد. ابن کثیر نیز به این نکته اشاره می‌کند که «خداوند مودت و محبت و رحمت و رأفت را بین زن و مرد قرار داد؛ چرا که مرد برای محبت و یا رحمت و توجه به زن با او ازدواج می‌کند تا از همسرش فرزندی داشته باشد» (ابن کثیر، ۱۴۱۶، ۶: ۲۷۸).

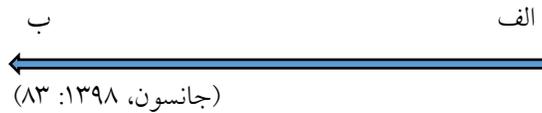
همواره انسان برای بیان میزان بهره‌مندی و امکان رسیدن به هدف، تصویرسازی می‌کند و ابعاد، فاصله، و ظرف بین مبدأ و مقصد را به تصویر می‌کشد؛ بدین گونه که در این طرحواره، مفاهیم انتزاعی مانند اجسام موقعیت‌یابی می‌شوند و جلو، عقب، دور، و یا نزدیک هستند. از مصادیق حجمی و جسمانی «رحمه» آیه قرآنی زیر است:

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَتَ سَحَابًا نُّفَالًا سَفْنَاهُ لِيَلْدَ مِيَّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (الأعراف / ۵۷)

سنجش و محاسبه موقعیت مکانی نسبت به هر چیز امری ذاتی در موجودات زنده است که بیانگر گستردگی طرحواره‌های حجمی و جسمی‌شدگی پدیده‌ها و مفاهیم انتزاعی است؛ همان‌طور که مفهوم «رحمه» در این آیه به معنای باران است که می‌توان آن را حس کرد و عینیت دارد. مفهوم «رحمه» طی جسمی‌شدگی قابلیت ظرفیت یافته است، به گونه‌ای که وارد ظرف خود می‌شود. در این طرحواره، کره خاکی و سرزمین مرده ظرف و مکان‌واره‌ای است که باده‌ها و ابرها در این مکان به حرکت می‌افتد و بشارت ورود رحمت را می‌دهند؛ بدین صورت که مفهوم ذهنی «رحمه» به مثابه یک جسم فیزیکی حرکت می‌کند و وارد ظرف خود می‌شود. در این تعبیر استعاره تخیلیه به کار رفته، به این معنا که باران را به انسانی تشبیه کرده که خانواده و دوستانش انتظار آمدنش را دارند و جلوتر از او کسی است که آمدن او را بشارت می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸: ۱۹۹). بدین ترتیب، ذکر ظرف (بین یدی) دلالت بر تخیلیه بودن استعاره مکنیه و تشبیه رحمت به باران می‌کند و نشان می‌دهد که پدیده عینی باران در قالب مفهوم ذهنی «رحمه» ظاهر شده است، مانند فرمانروایی که سربازانی جلوتر از سلطان راه می‌روند و ورود او را بشارت می‌دهند.

۴-۲- طرحواره حرکتی «رحمه»

رویداد حرکت یکی از عناصر تأثیرگذار در مفهوم‌سازی است، بدین صورت که مفاهیم انتزاعی پس از ارتقاء از حالت ذهنی به مادی و جسمانی، قابلیت حرکت یافته‌اند. به عقیده لیکاف و جانسون در طرحواره حرکتی یک متحرک وجود دارد که مسافت بین دو مؤلفه مبدأ و مقصد را می‌پیماید (رک: لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۶۲)، و طرحواره حرکتی را مجموعه‌ای از مؤلفه‌های پیکر^۱، و مسیر^۲ یعنی مبدأ (نقطه الف)، و مقصد (نقطه ب) معرفی می‌کند.



ایوانز و گرین در باب اهمیت ارتباط بین شاخصه‌های حرکت معتقد هستند «از آنجا که یک مسیر وسیله‌ای برای حرکت از یک مکان به مکان دیگر است، آن را از یک نقطه شروع یا مبدأ، و یک نقطه مقصد یا هدف، و برخی مکان‌های متناقض که بین آن‌ها منبع و هدف قرار دارد تشکیل می‌دهد؛ مانند همه طرحواره‌های تصویری پیچیده، طرحواره حرکتی یک گشتالت تجربی را تشکیل می‌دهد: این ساختار داخلی دارد اما به عنوان یک کل منسجم ظاهر می‌شود» (Evans & Green, 2006: 185).

قرآن از نمونه‌های شاخصی است که با تکیه بر مؤلفه‌های حرکتی، مفاهیم انتزاعی و غیر قابل حرکت را به صورت رویدادی حرکتی مفهوم‌سازی کرده است و به حوزه معنایی آن وسعت بخشیده است. واژه «رحمه» یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است که نمود عینی ندارد لذا قابلیت جسمی و حرکتی برای آن تعریف نشده است، اما به طور مشخص در قرآن مشاهده می‌شود که «رحمه» تحت تأثیر مؤلفه‌های حرکتی و هم‌نشینی با حروف مسيرنما و یا افعالی مشتمل بر جزء حرکتی^۳، کارکرد این واژه بین مادی و ذهنی تغییر می‌کند و طرحواره‌های تصویری متنوعی ترسیم می‌نماید. آنچه که مفهوم ذهنی «رحمه» را در این طرحواره تصویری قرار می‌دهد، معنای کانونی آن و توجه ویژه خداوند به مخلوقات نیست. همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، دایره معنایی واژه «رحمه» گسترده است و

1. Figure
2. Path
3. Motion

رحمت شامل نعمت‌های عینی و ذهنی می‌شود؛ بدین صورت معانی مجازی و جسمانی «رحمه» که در قالب مؤلفه پیکر و حرکت آن‌ها در مسیر تعریف شده منجر به ترسیم طرحواره‌های تصویری می‌شود. از شواهد این طرحواره می‌توان به آیه زیر اشاره نمود:

﴿إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ (الکَهْف/ ۱۰)

داستان اصحاب کهف متعلق به فرار سه جوان مسیحی است که به دلیل ترس از (دقیانوس) پادشاه بت‌پرست آن زمان، به غار پناهنده شدند و جان سالم به در بردند. این آیه اشاره دارد به لحظه‌ای که جوانان به غار پناه بردند و از ترس این‌که پادشاه آن‌ها را پیدا کنند و به جرم مسیحیت کشته شوند، رو به درگاه حق کردند و بهره‌مندی از رحمت الهی را طلب کردند. در این جا «رحمه» به معنای مغفرت، رزق، و نجات از دست دشمن است» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۷۰۵)؛ اما با توجه به این‌که رحمت و معانی آن اموری انتزاعی هستند، به مثابه جسمی متحرک در جایگاه پیکر طرحواره حرکتی ظاهر شده است. آنچه که حرکت پیکر یعنی «رحمه» را برجسته‌نمایی می‌کند جزء حرکتی است، بدین صورت که «(الإيتاء) به معنای بخشیدن و عطا کردن است» (مصطفوی، ۱۴۲۶، ۱: ۲۸)، و فعل حرکتی (أتی) دال بر رویداد نزولی بخشیدن و ارسال رحمت الهی است. از سوی دیگر، جهت حرکت و مسیر نزولی آن از مراتب علیا به سوی مخلوقات، به واسطه حروف مسیرنما (من لدنک) بازنمایی می‌شود. تفسیر المیزان درخواست رحمت را ناشی از ناتوانی و اضطراب جوانان می‌داند و تاثیر معنوی این مؤلفه‌های حرکتی را بدین‌گونه تحلیل می‌کند، «اگر یاس و نومیدی از هر طرف احاطه‌شان نکرده باشد رحمتی را که درخواست کردند مقید به قید (لدنک) نمی‌کردند، بلکه می‌گفتند (آتنا رحمه/ خدایا به ما رحمتی فرست)» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۳۴۳). بنابراین، به موجب ذکر فعل (أتی) و مسیرنما (من لدن) که دال بر مبدأ حرکت است، پیکر «رحمه» حرکتی نزولی دارد و مسیر را از سوی خداوند سبحان به سوی اصحاب کهف می‌پیماید. مانند این رویداد حرکتی در آیه دیگری ملاحظه می‌شود:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ (آل عمران/ ۸)

این آیه زبان حال عالمان واقعی است که اسیر تکبر نمی‌شوند و همواره خاضعانه رحمت را از مقام ربوبی درخواست می‌کنند تا مبادا با لغزشی از راه صحیح منحرف شوند. منظور از «رحمه» هدایت و

ثبات در ایمان است و رحمتی که عالمان از خدا طلب می‌کنند بدین معنا است که «توفیق و ثباتی را برای اهل ایمان و هدایت مانند ما قرار بده» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۳: ۱۷). با توجه به این که عالمان درخواست امری درونی و انتزاعی دارند؛ اما در جمله (هب لنا من لدنک رحمۀ) طرحواره‌ای حرکتی تصویرسازی شده است که «رحمۀ» و هدایت الهی به مثابۀ جسمی متحرک است. طباطبایی در تفسیر المیزان رویداد حرکت در جمله (هب لنا من لدنک رحمۀ) را نزولی و «ریزش رحمت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۴۶) می‌داند؛ هم‌چنین ابن عربی به این موضوع می‌پردازد که بخشش رحمت و ارسال پیام الهی سیر نزولی دارد و به صورت نهانی از مراتب علیا به قلب مومن می‌رسد (رک: ابن عربی، ۱۴۱۰، ۱: ۴۱۷).

در این انگارۀ حرکتی، فعل حرکتی (هب) به همراه سایر مؤلفه‌های حرکتی که دلالت بر حرکت و خروج از زمینه یعنی مبدأ می‌کند، ظاهر شده است و به واسطۀ مسیرنمای (من) که دال بر مبدأ و ذات اقدس الهی می‌کند. از سوی دیگر، هنگامی که مومنان با ذکر (لنا) در جمله (هب لنا) به ما بیخش) برای خودشان طلب رحمت می‌کنند، مشخصاً مقصد حرکت رحمت الهی را که قلوب مومنان است توسط حرف (ل) بازنمایی می‌کنند. در این طرحوارۀ تصویری همۀ شاخصه‌های حرکتی به ویژه حروف مسیرنما برای ترسیم مسیر «رحمۀ» یعنی هدایت ذکر شده‌اند زیرا «آن‌ها درخواست ریزش رحمت الهی را می‌کردند تا حیات قلوب‌شان ادامه یابد، و اگر کلمۀ «رحمۀ» را نکره و بدون الف و لام آوردند، و آن گاه آن را با (من لدنک) توصیف نمودند، برای این بود که گفتیم: خود آنان هم نمی‌دانند که آن رحمت چه طور باید باشد، تنها این را می‌دانند که اگر آن رحمت از ناحیه خدای عزوجل نباشد، هیچ یک از حوائجشان برآورده نگشته، و هیچ امری از ایشان به سامان نمی‌رسد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۴۶).

علاوه بر حرکت نزولی «رحمۀ» که به آن پرداخته شد در برخی از آیات، «رحمۀ» حرکتی چندگانه دارد، بدین گونه که رحمت الهی تعدد مسیر دارد و از یک مبدأ منتهی به مقصدهای گوناگون می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (الزخرف / ۳۲)

خداوند متعال در این آیه با طرح پرسشی انکاری به ادعاها و تفکر اشتباه کافران پاسخ دندان‌شکنی می‌دهد تا بدانند که تعیین فرستاده و مقام شریف پیامبر منحصر به خداوند است و انسان‌ها تا چه اندازه می‌توانند اظهارنظر کنند. رسالت نبوت و پیامبری مفهومی است که در این آیه با واژه «رحمه» از آن یاد شده است. با توجه به این‌که رحمت ویژه خداوند است که با حرکت نزولی از سوی آسمان و علو درجات شامل حال مخلوقات می‌شود؛ خداوند متعال در این آیه یادآوری می‌کند که رحمت تنها از مراتب عالی نازل می‌شود و چنین نیست که انسان‌ها قادر به توزیع رحمت باشند؛ بنابراین، در این طرحواره نیز «رحمه» حرکتی عمودی دارد و پیکر یعنی رحمت و نبوت مسیر را از مبدأ خود یعنی مراتب اعلی و ذات اقدس الهی به سوی انسان می‌پیماید. طرحواره حرکتی چندجانبه را تصویرسازی می‌کند و این حرکت عمودی پیکر «رحمه» منتهی به چند مقصد می‌شود زیرا در ترکیب (یقسمون رحمت) فعل حرکتی از فعل‌های مسیرنمایی است که از یک مبدأ واحد به سوی مقصدهای چندگانه حرکت می‌کند (رک: مسگرخوبی، ۱۳۹۲: ۸۵). هم‌چنین در آیه دیگری حرکت چندجانبه «رحمه» دیده می‌شود، هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْأَحْمَدُ﴾ (الشوری / ۲۸)

نزول نعمت و رحمت الهی بر مبنای نظم و حساب خاصی شامل مخلوقات می‌شود و تنها خداوند است که بعد از ناامیدی مطلق رحمت و نعمت خود را بر بندگان نازل می‌کند. باران در این آیه نمود رحمت است و هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید «وَأَنْشُرُ رَحْمَتَهُ» یعنی بوسیله فرستادن باران و روئیدن گیاهان و درختان خداوند نعمتهای خود را در همه جا منتشر می‌سازد (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۲: ۱۴۲). در این طرحواره، خداوند متعال می‌فرماید «يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ»؛ در این‌جا منظور از «رحمه» باران است که به نوعی تکرار مفهوم و طرحواره حرکتی جمله قبل است که حرکت نزولی باران از آسمان به سوی زمین را بازنمایی می‌کند. با توجه به این‌که مبدأ این حرکت عمودی مراتب اعلی و خداوند است، جریان حرکت به واسطه فعل (بیتشر) تصویرسازی می‌شود که دلالت بر حرکت چندجانبه می‌کند و مسیرهای رحمت خداوند متنوع است؛ بدین صورت که «از طریق روئیدن گیاهان و درختان و ثمره‌هایی که برای نیازهای انسان به بار می‌نشینند، نعمت‌های خداوند بین مردم توزیع می‌شوند» (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۲۰: ۱۸۱).

بر مبنای بررسی‌های انجام شده، حرکت و جریان جا به جایی مفهوم ذهنی «رحمة» اعم از معانی و دلالت‌های مادی و ذهنی آن، به سبب جسمی‌شدگی به مثابه شیء مادی تصویرسازی حرکتی می‌کند. به طور کلی مفهوم ذهنی «رحمة» دو نوع حرکت نزولی و چندگانه و انتشاری دارد که در همه شواهد قرآنی، پیکر و متحرک با حرکت عمودی مشخصاً از یک مبدأ یعنی آسمان و از سوی خداوند حرکت می‌کند و مسیر را به سوی مخلوقات می‌پیماید.

۴-۳- طرحواره نیرو «رحمة»

برای این‌که همانند هر موجود زنده‌ای در این جهان ادامه حیات داشته باشیم نیازمندیم تا با محیط پیرامون در تعامل و درهم‌کنش داشته باشیم و در این میان ممکن است اعمال قدرت کنیم یا تحت فشار و قدرت قرار بگیریم. پویایی و کیفیت اعمال قدرت یکی از تجارب زیستی آدمی است و این تجربه‌ها و مفاهیم تعامل نیرو در زبان رمزگذاری شده است. به این ترتیب «پویایی نیرو به عنوان یک سیستم مفهومی اساسی ظهور می‌کند که مواد مفهومی مربوط به تعامل نیرو را به روشی مشترک در طیف وسیعی از زبانی بنا می‌کند: حوزه‌های فیزیکی، روانی، اجتماعی، استنباطی، گفتمان، و مدل‌های ذهنی مرجع و ادراک» (Talmy, 1988: 49).

مارک جانسون درباره طرحواره نیرو معتقد است که «ما باید به صورت عینی‌تری نشان بدهیم که چگونه تجربه‌های بدنی همراه با نیرو به ساختارهای طرحواره تصویری معنی منجر میشوند؛ شناسایی برخی گشتالت‌های طرحواره تصویری خاص تر برای نیرو و روابط نیروست» (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۶). وی طرحواره نیرو را به ۷ مدل مجزا که به طور پیوسته در تجربه انسان فعال هستند دسته بندی کرده است: فشار، انسداد، نیروی متقابل، تغییر مسیر، حذف مانع، توانایی، و جذب (ر ک: همان، ۱۰۶-۱۰۹). هر یک از این طرحواره‌ها بر مبنای کیفیت حرکت، و میزان قدرت و شدت نیرو ساختار متفاوتی دارد و این تنوع نظام طرحواره‌های قرآنی در ساختار تصویری «رحمة» قابل رؤیت است. مفهوم ذهنی «رحمة» امری ذاتی و از صفات ویژه خداوند است، با این حال این واژه در قرآن تعدد دلالتی داشته است و متناسب با جریان اخلاقی و دینی آیه، از قدرت و نیروی متفاوتی برخوردار است.

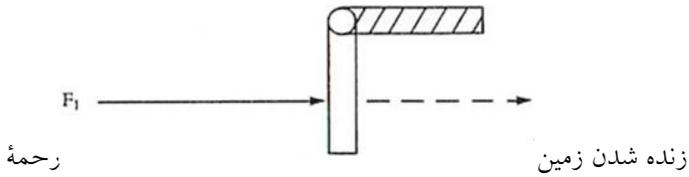
موضوعات قرآن و گفتمان حاکم بر آیات، این ترکیب‌های متقابل و رو در رویی بهشت و جهنم که در قالب طرحواره نیروی متقابل «رحمة» و «عذاب» ظاهر شده است، دال بر این است که میان این دوگانه‌ها تفاوتی فاحش وجود دارد، همان‌طور که بهشت و جهنم هم دو نیروی متقابل هستند که مانند نور و ظلمت جمع‌پذیر نیستند (رک: قرشی، ۱۳۷۷، ۱۱: ۲۲).

۴-۳-۲- طرحواره حذف مانع «رحمة»

وقتی مانع از میان برداشته شود بالطبع مسیر اعمال نیرو هموار است و به راحتی می‌توان عبور کرد. «طرحواره حذف مانع وضعیتی را ایجاد می‌کند که به دلیل حذف مانع قدرت، انرژی آزاد می‌شود. این وضعیتی مانند تکیه دادن به در را توصیف می‌کند که ناگهان باز می‌شود» (Evans & Green, 2006: 188). این طرحواره یک مسیر باز را نشان می‌دهد که مانع را از سر گذرانده است. از دیدگاه قرآن موانع بسیاری وجود دارند که مسیر رسیدن به اخلاص و بهشت را ناهموار می‌سازند، اما «عمل به دستورات الهی سبب‌ساز و منبع انرژی است که موانع پیش رو را برداشته و راه را برای دستیابی به سعادت هموار می‌کند. در این حالت، عامل رفع موانع در مفاهیم انتزاعی همچون ایمان، تقوی، جهاد و مفاهیمی نظیر آن وجود دارد» (بروجنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۷). مفهوم انتزاعی «رحمة» یکی دیگر از عوامل سبب‌ساز است که از سوی خداوند متعال اعمال می‌شود و به مثابه یک نیروی فیزیکی اعمال نیرو می‌کند، نمونه این طرحواره مانند آیه ذیل است:

﴿فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكُمْ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (الروم / ۵۰)

همواره زندگی انسان زیر و زبر دارد و گاهی انسان در خوشی و صحت است گاهی غم و بیماری او را در موضع ضعف قرار می‌دهد؛ از این‌رو دنیا دار تغییر است و منشأ این تغییرهای خوب و بد قدرت خداوند است. این آیه به نیروی «رحمة» یعنی باران اشاره دارد که به مثابه نیروی حیات‌بخش از آسمان به سوی زمین نازل می‌شود و مانع‌های حیات انسان یعنی خشکسالی و ناامیدی را از میان برمی‌دارد و منجر به زنده شدن زمین و به جریان افتادن زندگی می‌شود.



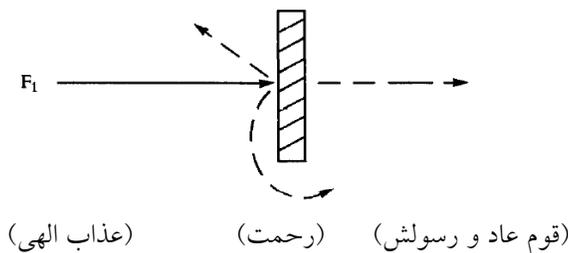
این آیه قرآنی مصداقی بارز برای طرحواره حذف مانع جانسون است که قدرت سبب‌ساز را نشان می‌دهد؛ زیرا بر مبنای نظریه جانسون «یا به دلیل حذف یک مانع واقعی توسط شخص دیگر، یا به دلیل یک مانع بالقوه، نیروی F_1 می‌تواند اعمال شود، یعنی چیزی راه آن را سد نمی‌کند» (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۸). بنابراین نیروی رحمت خداوند سبب‌ساز حیات زمین و رستاخیز می‌شود و خشکسالی زمین را که مانعی در این مسیر است، حذف می‌نماید، بدین صورت که در این طرحواره قدرتی، هیچ نیرویی وجود ندارد که بر قدرت خداوند چیرگی یابد.

۴-۳-۳- طرحواره انسداد «رحمة»

این الگوی تصویری ناشی از برخوردهایی است که موانع در برابر نیرو مقاومت می‌کنند و مانع از حرکت آن می‌شوند. جانسون تجربه انسداد و برهم کنش نیرو و مانع را بدین‌گونه توصیف می‌کند؛ «وقتی بچه یاد می‌گیرد چهار دست و پا برود با دیواری برخورد می‌کند که مانع پیش رفتن در آن جهت می‌شود. بچه یا باید توقف کند، از ادامه اعمال نیرو در جهت اول دست بردارد، یا باید جهت اعمال نیرو را تغییر دهد. می‌تواند تلاش کند از مانع رد شود یا حتی از داخل آن عبور کند وقتی نیروی کافی وجود دارد» (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۷). رحمت و فضل الهی یکی از مفاهیم انتزاعی قلمداد می‌شود که در این طرحواره تصویری منجر به تغییر مسیر پیکر متحرک به سوی مقصد می‌شود. بدین صورت که خداوند «رحمة» خاص خویش را برای مقابله با عذاب قوم می‌فرستد تا رحمت الهی در تقابل با عذاب قرار گیرد و منجر به تغییر مسیر عذاب گردد. بدین‌گونه خداوند متعال انسان‌های با ایمان را از نیروی عذاب و قهر خویش نجات می‌دهد و به سمت فضایل و نعمت‌ها هدایت می‌کند؛ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا جَاءَ أُمَّرْنَا نَجِّينَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ (هود/ ۵۸)

خداوند متعال فرمان هلاک شدن قوم عاد را صادر کرد تا سرکشان قوم مجازات شوند، اما پیامبر هود را از عذاب قوم می‌رهاند و مشمول فضل و رحمت خویش قرار می‌دهد؛ «مراد از این رحمت، آن رحمت عمومی که کل جهان را فرا گرفته نباشد، بلکه مراد رحمت خاصه الهی باشد که مخصوص بندگان مؤمن او است، بندگان مؤمنی که موجب شده‌اند تا خدا آنان را در دینشان یاری دهد و از شمول غضب الهی و عذاب ریشه کن‌کننده نجاتشان بخشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۴۵۱). با دقت نظر در این آیه قرآن و تفسیر اشاره شده، «رحمة» عامل نجات پیامبر و انحراف عذاب از مسیر منتهی به ایشان است.



آنچه که این طرحواره قدرتی را از سایر شواهد متمایز می‌کند کیفیت حضور «رحمة» است؛ در این انگاره تصویری، عذاب الهی به عنوان یک نیرو که به سوی قوم عاد و پیامبر هدایت می‌شود و در جایگاه F_1 ظاهر شده است و از سوی دیگر مفهوم انتزاعی رحمت و فضل الهی به مثابه یک مانع می‌فرستد که سبب تغییر مسیر عذاب قوم می‌شود و با انحراف مسیر آن، قوم را از قهر و مجازات‌هایی می‌بخشد؛ تکرار فعل (نجینا) در ابتدای آیه کیفیت اعمال نیرو را بازنمایی می‌کند و بیان‌گر آزادی پیامبر و پیروانش از قهر و عذاب خداوند است و این نجات‌یافتن اتفاقی نیست و نتیجه لطف ویژه خداوند بخشنده است.

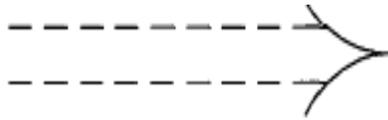
۴-۳-۴- طرحواره توانایی «رحمة»

یکی دیگر از تصویرسازی‌های قرآنی بر مبنای طرحواره توانایی است. توانمندسازی در نظریه جانسون بدین شکل است که «این‌جا هیچ بردار نیروی واقعی‌ای وجود ندارد، می‌توانیم این ساختار احتمالی را جزء گشتالت‌های نیرو قرار دهیم، چون بردارهای نیروی بالقوه و جهت‌مندی معین یا مسیر بالقوه حرکت وجود دارند. احساس می‌کنید می‌توانید صندلی را از گوشه اتاق بردارید، در این صورت

گشتالت فقط با بردار نیروی بالقوه و نبود مانع یا نیروی متقابل بازنمایی می‌شود» (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۹). این انرژی بالقوه و توانایی اعمال نیرو در مفهوم انتزاعی «رحمه» نیز وجود دارد، مانند آیه ۱۳۳ سوره انعام که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَ يُسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخِرِينَ﴾ (الأنعام/ ۱۳۳)

این آیه تأکیدی بر صفات خاص خداوند، یعنی بی‌نیازی، رحمت، و قدرت بر انجام همه امور است و مشخصاً جمله «رَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ» افاده حصر صفت رحمت را برای خداوند می‌کند. «خداوند صاحب رحمت مطلق است، بدین معنا که به دلیل رحیم بودن به هر کسی متناسب با حال او نعمت ارزانی می‌دارد و بر هیچ کسی ستم روا نمی‌دارد. رحمت خداوند بر همه چیز احاطه دارد و خداوند سبحان به واسطه رحمت قدرت نابودی انسان‌ها و خلق نسلی جدید را دارد» (طباطبایی، ۱۴۲۱، ۲: ۴۱۸). از این رو، توانایی رحیم بودن صفت خاص پروردگار است که بر این طرحواره جانسون انطباق دارد:



نیرو و قدرت مطلق خداوند که در مفهوم «رحمه» مفهوم‌سازی شده است بیان‌گر توانایی بالقوه خداوند است؛ زیرا «صفت رحمت ملازم ذات اقدس الهی است و فقط خداوند سبحان متصف به رحمت قلمداد می‌شود؛ با توجه به این‌که رحمت امری نسبی است، رحمت حقیقی فقط نزد خالق کائنات و همه مهربانی‌ها است» (ابو زهره، ۲۰۰۱، ۹: ۴۵۵۲). همان‌طور که ملاحظه می‌شود (إن یشاء) بر توانایی بالقوه خداوند صحنه می‌گذارد، و تأکیدی بر مهربانی خاص خداوند است، بدین‌گونه هر زمان اراده الهی اقتضا کند، مخلوقات را مشمول آن خواهد نمود.

۵- نتیجه

در قرآن کریم مفهوم انتزاعی «رحمه» صرفاً یک مفهوم غنی در ذهن نیست و طی فرآیند جسمی‌شدگی و قرار گرفتن در نظام طرحواره‌های تصویری، پیچیدگی مفهومی پیدا می‌کند. مفهوم «رحمه» حوزه معنایی مادی و ذهنی وسیعی در قرآن دارد و بر معانی بهشت، نور، بخشش، رسالت، نبوت، سلامتی، باران، نعمت، دین اسلام، ثواب و پاداش، قرآن، اولاد، خلاصی از عذاب دلالت می‌کند. این پژوهش بیانگر این نکته است که مفهوم ذهنی «رحمه» طی طرحواره‌های تصویری و فرآیند حجمی‌شدگی حوزه معنایی خود را وسعت بخشیده است؛ بدین گونه که این مفهوم انتزاعی جسمانیت می‌یابد و به مثابه شیء فیزیکی از ظرف الطاف الهی خارج می‌شود و شامل حال مخلوقات می‌شود. آنچه مفهوم «رحمه» را در این طرحواره حجمی برجسته‌نمایی می‌کند این نکته است که تنها عامل کامیابی انسان رحمت ویژه خداوند است و در این صورت منجر به سعادت انسان در دو جهان می‌شود. در برخی آیات مفهوم ذهنی «رحمه» به واسطه هم‌نشینی با افعال حرکتی طرحواره‌هایی حرکتی را بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد که رحمت و الطاف خداوند متعال همواره حرکت نزولی دارد و مبدأ حرکت «رحمه» ذات اقدس است و مسیر نزولی را به سوی مخلوقات و زمین می‌پیماید. با توجه به این که مسیر حرکتی «رحمه» از پیش تعریف شده است، اما با ذکر حروف‌مسیرنا مبدأ «رحمه» و مراتب علو برجسته‌نمایی می‌شود. از سوی دیگر، قابلیت توانمندی مفهوم «رحمه»، طرحواره نیرو را ترسیم می‌کند؛ بدین صورت که این مفهوم ذهنی به مثابه یک جسم توانایی اعمال قدرت دارد و با ظاهر شدن در قالب طرحواره نیرو، توانایی بالقوه مهربانی خداوند و تلازم صفت رحمت و ذات اقدس الهی را نشان می‌دهد. «رحمه» در این طرحواره‌های قدرتی به مثابه یک مانع و نیروی متقابل در برابر عذاب، بندگان با اخلاص را صیانت می‌کند و یا با قابلیت حذف موانع، مسیر ورود مؤمنان به بهشت را هموار و نورانی می‌کند.

منابع

- قرآن کریم

- ۱- آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۳- ابن منظور، (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۴- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق ابو محمد بن عاشور، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۵- جانسون، مارک، (۱۳۹۸ش)، بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال، ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
- ۶- صابونی، محمدعلی، (۱۴۲۱ق)، صفوة التفاسیر: تفسیر للقرآن الکریم، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- ۷- صفوی، کوروش، (۱۳۹۵ش)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، کلانتری، یاس، (۱۴۲۱ق)، مختصر المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: اسوه.
- ۱۰- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰ش)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.
- ۱۱- فضل‌الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- ۱۲- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، تفسیر أحسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.

۱۳- کریمی بروجنی، مدینه، قائمی، مرتضی، پور ابراهیم، (۱۳۹۶ش)، «بازنمایی طرحواره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال نهم، شماره ۱۸، صفحات ۷۷-۹۴.

۱۴- لیکاف، جورج، جانسون، مارک، (۱۳۹۴ش)، فلسفه جسمانی: ذهن جسمانی و چالش آن با اندیشه غرب، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.

۱۵- مسگرخویی، مریم، (۱۳۹۲ش)، «بازنمایی مسیر در افعال حرکتی فارسی»، ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۹، صفحات ۷۴-۹۲.

۱۶- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

17- Evans, Vyvyan, Green, Melanie, (2006), **Cognitive linguistics an introduction**, Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.

18- Talmy, Leonard, (1988), "*Force Dynamics in Language and Cognition*", **Cognitive science a multidisciplinary journal**, volume 12, issue 1, pp 49-100.

Image Schemas in the Qur'anic Word *Rahma*: An Analysis Based on Johnson's Approach¹

Zohreh Behrouzi²

Seyyed Heidar Far' Shirazi³

Abstract

Image schemas, first proposed by Mark Johnson, are among the most important infrastructures of cognitive semantics. Schemas evolve around the physicality of abstract concepts, and this process of materialization leads to the conceptual complexity of the system of mind. Diverse visual schemas are the most important linguistic tools for drawing, objectifying, and highlighting the mental concept *rahma* as one of the most repetitive mental concept in the Qur'an, which has found tangible capabilities during materialization. The present descriptive-analytical research studied the concept of *rahma* drawing on Mark Johnson's view. The results show that the mental concept *rahma* has a wide range of meanings and refers to rain, forgiveness, paradise, the mission of prophecy, the religion of Islam, rewards, the Qur'an, and material and spiritual blessings. The Almighty God sometimes bestows special favors on sincere servants through His infinite container of mercy. On the other hand, *rahma*, as the content of this container, walks downhill from the sky and ascends to the earth. God's special mercy is His potential ability and, like a physical body, can exercise power in such a way that it guides the believers or prevents them from the torments of hell.

Keywords: the Qur'an, cognitive linguistics, image schemas, Mark Johnson

-
1. Date Received: July 18, 2020; Date Accepted: November 9, 2020
 2. PhD Student of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University;
Email: <mailto:zohreh.behroozi@yahoo.com>
 3. Corresponding Author: Associate Professor of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: shiraz.he@yahoo.com